



۱۷ سال بعد از ژوئیه سیاه

به یاد ۵ رفیق کمونیست

خالد حاج محمدی

حکمتیست هفتگی ۱۶۹

۱۷ ژوئن ۲۰۱۷ - ۲۶ تیر ۱۳۹۶

دوشنبه ها منتشر میشود

سرستون

در حاشیه افاضات "راه سوم"

لاریجانی

امان کفا

پس از چند دهه اعمال شدیدترین فشارهای همه جانبه، بیحقوقی مطلق، سرکوب کوچکترین اعتراض برای دستیابی بهبودی در معیشت دهها میلیون انسان، تحمیل شدیدترین درجه از استثمار و فقر و بیکاری، اینبار لاریجانی، رئیس مجلس، فرموده است که "عدالت برای مردم" در مرکز سیاست های اقتصادی و اجتماعی رژیم بوده و از آنجا که چنین سیاستهایی بر پایه "نظام های سوسیالیستی" است، به سلب "آزادی و اختیار مردم" انجامیده است! رئیس مجلس، با آب و تابی اسلامی، با اتکا به آمارهای رسمی داخلی و خارجی، سعی کرده تا ضرورت تغییر این سیاست "سوسیالیستی" را ثابت کند و بر اهمیت دخیل کردن عوامل بازار آزاد تاکید کند. و بالاخره اظهار داشته است که در صورت وقوع پیوستن ملغمه ای از این دو سیاست رسمی، "آزادی فکر و عمل و اقتصاد" در جامعه به محور اصلی بدل میشود، رشد اقتصادی ۸ درصدی میسر می شود و در پایان، به امید خدا! وضعیت بیکاری و بهبود معیشت مردم، حل خواهد شود.

جناب رئیس مجلس، این مشغوعات را راه حل و نظریه سوم، برای "نجات جامعه" نامیده است. "نجات جامعه" که تنها با حاکم کردن ملغمه ای از سیاست های "سوسیالیستی" و بازار آزاد، ممکن خواهد شد. به این ترتیب، ریشه بدبختی های چند دهه اخیر و تا به امروز مردم در ایران، نه جمهوری اسلامی، نه این دولت و نه نظام سرمایه، بلکه افراط در سیاستهای "سوسیالیستی" بوده است! حاج آقا، از لاطاعات خود چنان به وجد آمده که حتی برای این "نظریه های اقتصادی" به تاریخ صد ساله در ایران رجوع می کند. گویی که نه فقط دولت امروز، بلکه جمهوری اسلامی و خمینی، و همه و همه در تعقیب "عدالت" بوده اند

صفحه ۴

۱۴ ژوئیه سال ۲۰۰۰ "اتحادیه میهنی کردستان عراق" طی برنامه ای از پیش آمده و توافق شده با جمهوری اسلامی ایران، دست به تعرض نظامی همه جانبه ای علیه حزب کمونیست کارگری عراق در شهر سلیمانیه زد. در این حمله ۵ نفر از اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و ایران جان باختند. این برنامه مشترک توسط نوشیروان مصطفی جانشین وقت طالبانی اجرا شد. اتحادیه میهنی مدتی پیش از تعرض نظامی خود، دست به تهدید، پروپاگاندا و بهانه گیری پوچ مبنی بر "ضرورت بیرون بردن دفاآتر احزاب و نیروهای مسلح" از شهر و سرانجام دست به قطع آب، برق، تلفن و محاصره نظامی دفاآتر حزب کمونیست کارگری عراق زدند. نهایتاً روز ۱۴ ژوئیه با نیروی نظامی زیادی دست به حمله نظامی دفاآتر حزب کمونیست کارگری عراق زدند که با مقاومت همه جانبه رفقا روبرو شدند. در جریان این جنگ رفیق امید نیک بین کادر حزب ما مورد اثابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. سرانجام عصر آن روز و در جریان مذاکره هیئت حزب کمونیست کارگری عراق با نوشیروان مصطفی، تفنگچی های اتحادیه میهنی بدور از هر نوع پرنسیبی، ماشین حاوی پنج رفیق حزب کمونیست کارگری عراق را مورد حمله قرار میدهند که در این جریان رفقا محمد مصطفی، رفیق لطیف، ابراهیم محمد رستم معروف به هاوکار جان می بازند و رفیق عبدالباسط محسن معروف به شیخ عبدل که از این حمله جان سالم بدر برده و اسیر میشود، توسط مزدوران اتحادیه میهنی تیرباران میشود. آنها بعد از این جنایت با نظامی کردن فضای شهر سلیمانیه مانع هر نوع مراسمی برای رفقای جانباخته شدند و مدتها قبرستان شهر به محل تجمع اوباشان مسلح آنها برای ممانعت از تجمع خانواده جانباختان و مردم معترض شد.

صفحه ۳

سکانس های گم شده "ایران وود" ها



ثریا شهبابی

فیلم "ماجرای نیمروز"، وسترن اسپاگتی ساخت "ایران وود" در مورد وقایع خرداد شصت، از همه نظر به مذاق مقام معظم رهبری خوش آمده است. تاجایی که به کمپانی مربوطه سفارش تولید مشابهی برای شخصیت "گه‌ریار" گفتار اوین اسدالله لاجوردی، همقطار خودش و خلخالی ها و گیلانی ها را داده است.

ماجرای نیمروز و محصولات قبلی و بعدی این وسترن اسپاگتی ها، نه ارزش هنری دارند و نه اساساً کمترین ربطی به فرهنگ و اخلاق و آیدئولوژی و منش پهلوان پنبه های تاریخی فیلم! مهمتر اینکه کمترین حقیقتی در مورد تاریخ و مناسبات سیاسی و اجتماعی دوران پایه ریزی حکومت اسلامی در ایران را منعکس نمی کند و زیادی روی مرگ حافظه جامعه حساب باز کرده است.

این پروپاگاندا حکومتی، تنها ارزشی که دارد گشودن باب جدیدی از بررسی وقایع خرداد شصت، مقطع تولد و پایه گذاری حاکمیت جمهوری اسلامی سالهای در دوران انقلاب ۵۷ است. از این زاویه باید قدم گذاشتن جناب خامنه ای و تیم مربوطه اش به این میدان را به فال نیک گرفت! برای نسلی که خاطره ای از آن دوران ندارد، نسلی که تاریخ را یا به روایت حاکمین خوانده است و یا آن را از لابلای مرثیه شکست خوردگان استخراج کرده است، فرصتی برای بیان تاریخ واقعی رویدادهایی است که به جمهوری اسلامی ایران، شکل داد. برای نسلی که هرگز به آرشیو فیلم و عکس قربانیان هالوکاست اسلامی در ایران دسترسی نداشته است، باید پا گذاشتن حاکمیت به این میدان را، به فرصتی برای بیان همه حقایق آن مقطع تبدیل کرد.

ماجرای نیمروز، از دو زاویه قابل بررسی است. یکی آتمسفر فیلم، جامعه، و فرهنگ رفتاری پرسناژهای فیلم است و دیگری محتوای آن. آتمسفر فیلم تماماً بازتاب حال و هوای امروز "دمورالیزه" شده آیدئولوژیک جنبش ارتجاع اسلامی در ایران و در جهان است. رفتار مودب و شیک برداران حزب الهی و رمانتیسیم پرسوناژ های فیلم، از این نظر بسیار قابل تامل است.

←

آزادی برابری حکومت کارگری

حزب الله و نوشته ها و و بیت امام مشغول خدمت به رفته از انقلاب را یک سره رفتاری که بی شباهت به سر و وضع های صاف و شسته رفته موطلائی های چشم آبی سفید فیلم های وسترن کابوی آمریکایی نیست. هر اندازه آن شکل و شمایل، خشونت کثیف، کور و افسار گسیخته سفید آمریکایی علیه سرخ پوستان و سیاهان را منعکس میکند، ماجرای نیمروز هم فضای فرهنگی و آیدنولوژیک برداران سپاه و کمیته و حزب الهی های خرداد شصت را منعکس میکند. به جای صدای قرآن و الله و اکبر، در راهروهای کمیته ها و تیم های گشت و مراقبت، آنک های "دلنواز" پخش می شود! به ضیافت خرداد شصت خوش آمدید! ابوبکر بغدادی های خرداد شصت ایران، دگر دیسی امروزشان را به گردن دیروزشان آویخته اند.

بنحو معجزه آسایی ناگهان با یک چرخش سی و شش ساله همه برادرهای حزب الهی نه حاج آقا و برادر و حجت الاسلام و آیت الله، که آقا، دکتر و مهندس خطاب میشوند! آنهم روزهایی که در جامعه و مراکز کاری "تخصص" توسط "مکتب"، اعدام و تصفیه شده بود!

پرسناژ ها با هم و با اسرایشان با مغزرت و بفرما و تشریف بیاوید و تشریف ببرید و می فرمودید، رفتار میکنند.

خبری از چهره های تحریک شده، عبوس و خشمگین، و دهان های کف کرده نیست! مفسد فی الارض به متهم تبدیل شده است! آقایان حکومتی در فیلم، بخصوص کودکان را خیلی دوست دارند! خبری از فرستادن نوجوانان روی میادین مین با کلید بهشت در جیب، نیست!

در فیلم خبری از برداران

حزب الله و نوشته ها و نوارهای اعترافات خلخالی و خمینی و لاجوردی و کیلانی، یعنی اسناد خودشان هم، نیست! "نیم کش ها را تمام کش کنید"، "اعدام کنید" اگر بی گناه بودند بهشتی اند و اگر گناهکار خونش حلال و مستوجب اعدام"، "حزب فقط حزب الله" و "می کشم می کشم هر که برادرم کشت" ای در کار نیست! عنوان "امت مسلمان کرده اند و حکومتی نازنین در خدمت به مردم دچار دردسرهایی توسط "مشتی تروریست" شده است. اما واقعیت چی است!

تاریخ نگاری این دوران، یکی از پیچیده ترین و مهمترین مسائل تاریخ معاصر جهان است. خرداد شصت مقطع پایه گذاری واقعی حکومت جمهوری اسلامی ایران است. تا قبل از آن، نه خلا قدرت، که قدرت دوگانه حاکم در مردم مسلح و متشکل در شوراهای محل های کار، در مدارس و دانشگاهها و در کردستان سنگر بسته و در مقابل تعرض به آزادی هایی که در انقلاب بدست آورده بودند، مقاومت می کنند.

حکومت شاه به زیر کشیده شده است، مردم مسلح اند، آزادی های سیاسی و حق تشکل و اعتصاب و شوراها به قدرت مردم بدست آمده است. پادگانها، توسط مردم خلع سلاح شده اند. مردم مسلح اند و خمینی قادر به یک کاسه کردن قدرت به نفع جمهوری اسلامی نیست. جمهوری اسلامی با دو جناح لیبرال ها و حزب جمهوری اسلامی، قادر به خاموش کردن شعله های انقلاب نیست. مردم از صحنه خارج نشده اند و نمی شوند. برای جمهوری اسلامی و خمینی انقلاب نکرده بودند که با به قدرت رسیدن آنها

بعد از انقلاب را تمام شده اجازه تعرض به دستاوردهای انقلاب شان را اسلامی!

سکانس های گمشده در ماجرای نیمروز، سکانس های قبل از خرداد شصت و جدال جامعه با تحریکات تازه میشود! بنی صدر، رئیس جمهور "انتخابی" مجاهد، با وجود اعلام "شورا پورا" لیبرال ها و حزب جمهوری اسلامی است. سکانس استخدام مجدد گروه های ضد ارتش که پوتین ها را تا پاک سازی کردستان از کفار از پا در نیارید، هنوز به اندازه کافی قادر نیست که انقلاب را سرکوب کند. بنی صدر که حمایت مجاهدین را دارد، توسط خمینی از کار برکنار میشود. خرداد شصت کودتای بنی صدر در مقابل حزب جمهوری اسلامی ایران بود، که با قتل عامی از مجاهدین، پیر و نوجوان و زن و مرد و اعضا و فعالین تمام سازمان های اپوزیسیون رودررو شد. جنگ قدرت در بالا، بین دو جناح در حاکمیت، جریان یافت که توسط جناح در قدرت تمام جامعه را به خون کشید.

قبل و در جریان خرداد شصت، خیابانهای مشهد و اصفهان و تهران، بیش از آنکه به خیابانهای فیلم ماجرای نیمروز شباهتی داشته باشد، به خیابانهای از "قیامت ها" و در زندان ها و زیر دست حاج رحمانی ها و لاجوردی ها، کمترین هم چون کوچه و خیابانهای پاریس هنگام اشغال آلمان هیتلری است. انقلاب هنوز تمام نشده است و انقلابیون به خانه باز نگشته و خلع سلاح نشده اند. در این میان سازمان مجاهدین، که آن زمان هنوز به فرقه و سکت امروزی دگر دیسی نکرده بود، سازمانی سیاسی بود که تلاش میکرد که به قدرت برسد. داستان بر سر قدرت سیاسی بود و اینکه چه نیرویی تکلیف قدرت سیاسی

محتوای فیلم

اما مهتر از آتمسفر وسترن اسپاگتی ماجرای نیمروز که در آن همه وحوش فرشته و رنگین اند، محتوای فیلم است و سکانس های گم شده فیلم است. خرداد شصت مقطعی است که در آن جمهوری اسلامی ایران، بر متن به خون کشیدن انقلاب، بطور واقعی پایه های حاکمیت اش ریخته میشود و به قدرت می رسد.

اما داستان فیلم که در آن تماشاچی از دنیا بی خبر خیابانهای تهران را چون شهری آرام می بیند که مردم در آن مشغول کار و زندگی شان اند و حکومتی نازنین در مجلس و وزارت خانه ها

زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

۱۷ سال بعد از

بدنیال این ماجرا نیروهای اتحادیه میهنی درست به شیوه حزب بعث و مزدوران صدام حسین دست به خانه گردی برای دستگیری اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری عراق و ایران میزنند. در روز ۱۶ ژوئیه هیئت مذاکره کننده حزب کمونیست کارگری عراق را در حین مذاکره دستگیر میکنند. همزمان با این حملات، افراد مسلح اتحادیه میهنی به نهادهای اجتماعی که توسط فعالین حزب کمونیست کارگری عراق در دفاع از حقوق کودکان و زنان تشکیل شده بود حمله کردند. به "مرکز دفاع از حقوق کودکان" در سلیمانیه حمله و اموال آنرا به تاراج برده و کودکان را بی سرپرست رها کردند. "خانه امن زنان" که برای نگهداری زنان فراری از خطر مرگ ناموسی تشکیل شده بود را بستند و همزمان "تشکل زنان" را نیز ممنوع اعلام کردند.

این جنایت با موجی از نفرت مردم در کردستان عراق علیه این جریان و همکاری آشکار و علنی آن با جمهوری اسلامی روبرو شد. علاوه بر این نفرت از اتحادیه میهنی، و روسای آن طالبانی و نوشیروان مصطفی و... کل شهرهای ایران و خصوصا شهرهای کردستان را را نیز فرا گرفت. در ارومیه دو ماشین این جریان به آتش کشیده شد، در شهرهای مختلف مردم رسماً و علناً به دفتر آنها مراجعه و اعتراض کردند. موجی از اعتراض و نامه و طومار اعتراضی علیه اتحادیه میهنی و در دفاع از حزب کمونیست کارگری عراق از سنج، سقز، مهاباد، بوکان، مریوان، پاوه، نوسود، کرمانشاه و... راه افتاد. برای مدتها طالبانی و روسای این جریان حتی با حضور و حاکمیت جمهوری اسلامی و زیر حفاظت آنها، در شهرهای کردستان ایران جرات آفتابی شدن را نداشتند. در خارج کشور نیز موجی از اعتراض به طالبانی و جانشین او (نوشیروان) و کل اتحادیه

میهنی راه افتاد. و البته جناب طالبانی و نوشیروان مصطفی نامه و پیام قدرانی جمهوری اسلامی را نیز از طرف عبدالله رمضان زاده استاندار وقت کردستان دریافت کردند. پیامی که در کیهان تهران چاپ و منتشر شد.

جرم رفقای ما دفاع از حقوق مردم زحمتکش کردستان عراق بود. جرم آنها و حزب کمونیست کارگری عراق و جریان ما، تقابل با تحمیل بردگی و بی حقوقی به کارگر و زحمتکش کردستان توسط احزاب عشیره ای بارزانی و طالبانی و بورژوازی نوپای کردستان بود که به نام نمایندگی "کردها" و "دفاع" از آنها، در کردستان عراق حاکمیت میکردند. احزابی که بیشرمانه تمام مرزهای اخلاقی حتی در چهارچوب جوامع بورژوازی را درنوردیدند. جرم رفقای ما دفاع از حقوق زن در مقابل مرتجع ترین آخوندهای کردستان و فرهنگ مرد سالار و زن ستیز اسلامی بود که به همت ناسیونالیست های کرد و ارتجاع منطقه از ایران تا عربستان و احزاب اسلامی متحد آنها در کردستان عراق نیز زنده شده بود. جرم آنها تلاش برای هوشیار کردن مردمی بود که زمانی در این توهم بودند حکومت "کردها" به مشقات و جنایت و گرسنگی و بی حقوقی آنها پایان میدهد. حمله به دفاتر حزب کمونیست کارگری کردستان و کشتار رفقای ما، خانه گردی، تیرباران و ترور آنها توسط چماقداران اتحادیه میهنی، قرار بود فضای ترس و توحش را بر جامعه حاکم کند، تا بورژوازی کرد و احزاب و سران ناسیونالیست کرد، بتوانند بی دردسر و مزاحمت، طبقه کارگر کردستان عراق را در گرسنگی و بی حقوقی کامل نگهدارند تا خود ثمره استثمار آنها را تاراج کنند، چیزی که امروز زیانزد خاص و عام در این جامعه است. قرار بود با کشتار کمونیستها چنان جامعه را مرعوب کنند، که دیگر هیچ کارگری به فقر و محرومیت خود و به دزدی و تاراج

محصول کار خود توسط بورژوازی کرد و سرانش زبان به اعتراض نگشاید. که دیگر هیچ زنی در مقابل کشتار هر روز و تحقیر و بردگی و بی حرمتی خود، توسط ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی و به نام ناموس و سنت و فرهنگ و مذهب و... صدایش درنیاید. و بالاخره فرار بود با کشتار کمونیستها، جامعه و مردم آن در مقابل مشت تاز به قدرت رسیده و چپاول و جنایاتشان ساکت و سربریزر باشد.

امروز ۱۷ سال از این ماجرا میگذارد. آنچه رفقای ما و حزب و جریان ما میخواست به کارگران عراق و کردستان عراق بقبولاند، اینکه بورژوازی "خوب" و "بد" نداریم، اینکه بورژوازی کرد همدرد و دوست آنها است توهم کشنده است و اینکه هویت ملی پوچ و افسانه و ابزار بردگی آنها است، که سنت و مذهب و فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ طبقه حاکم و علیه محرومان جامعه است، امروز دیگر هر روز در هر اعتراض و جمعی از کارگران، زنان، معلمان و انتشار پایین جامعه کردستان شنیده میشود. امروز هر کارگری که از ایران، ترکیه، سوریه، بنگلادش، فلپین و هر نقطه دیگری از جهان به کردستان عراق رفته باشد و چهار روز زیر حاکمیت بورژواهای کرد و دو حزب طالبانی و بارزانی کار کرده باشد، اوج گندیدگی این سیستم و ضد کارگر بودن آن، استثمار بدوی در بی رحمانه ترین شکل آن، نهایت بردگی مطلق خود را زیر حاکمیت آنها

چشیده است. امروز کارگران کرد زبان سوریه ای و آوارگانی که از سر ناچاری در این بهشت برین ناسیونالیستهای کرد مدتی زندگی کرده اند و آنها را که "شانسی" آوردند و کاری پیدا کردند و چند صباحی یک سوم حقوق ناچیزی کارگر کرد زبان کردستان عراق را به جرم "خارجی" بودن و با گوشت و استخوان لمس کرده اند که اینها در قساوت علیه طبقه کارگر، دست هر دولت جنایتکاری را از پشت بسته و

محصول کار خود توسط بورژوازی کرد و سرانش زبان به اعتراض نگشاید. که دیگر هیچ زنی در مقابل کشتار هر روز و تحقیر و بردگی و بی حرمتی خود، توسط ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی و به نام ناموس و سنت و فرهنگ و مذهب و... صدایش درنیاید. و بالاخره فرار بود با کشتار کمونیستها، جامعه و مردم آن در مقابل مشت تاز به قدرت رسیده و چپاول و جنایاتشان ساکت و سربریزر باشد.

امروز ۱۷ سال از این ماجرا میگذارد. آنچه رفقای ما و حزب و جریان ما میخواست به کارگران عراق و کردستان عراق بقبولاند، اینکه بورژوازی "خوب" و "بد" نداریم، اینکه بورژوازی کرد همدرد و دوست آنها است توهم کشنده است و اینکه هویت ملی پوچ و افسانه و ابزار بردگی آنها است، که سنت و مذهب و فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ طبقه حاکم و علیه محرومان جامعه است، امروز دیگر هر روز در هر اعتراض و جمعی از کارگران، زنان، معلمان و انتشار پایین جامعه کردستان شنیده میشود. امروز هر کارگری که از ایران، ترکیه، سوریه، بنگلادش، فلپین و هر نقطه دیگری از جهان به کردستان عراق رفته باشد و چهار روز زیر حاکمیت بورژواهای کرد و دو حزب طالبانی و بارزانی کار کرده باشد، اوج گندیدگی این سیستم و ضد کارگر بودن آن، استثمار بدوی در بی رحمانه ترین شکل آن، نهایت بردگی مطلق خود را زیر حاکمیت آنها

محصول کار خود توسط بورژوازی کرد و سرانش زبان به اعتراض نگشاید. که دیگر هیچ زنی در مقابل کشتار هر روز و تحقیر و بردگی و بی حرمتی خود، توسط ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی و به نام ناموس و سنت و فرهنگ و مذهب و... صدایش درنیاید. و بالاخره فرار بود با کشتار کمونیستها، جامعه و مردم آن در مقابل مشت تاز به قدرت رسیده و چپاول و جنایاتشان ساکت و سربریزر باشد.

امروز ۱۷ سال از این ماجرا میگذارد. آنچه رفقای ما و حزب و جریان ما میخواست به کارگران عراق و کردستان عراق بقبولاند، اینکه بورژوازی "خوب" و "بد" نداریم، اینکه بورژوازی کرد همدرد و دوست آنها است توهم کشنده است و اینکه هویت ملی پوچ و افسانه و ابزار بردگی آنها است، که سنت و مذهب و فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ طبقه حاکم و علیه محرومان جامعه است، امروز دیگر هر روز در هر اعتراض و جمعی از کارگران، زنان، معلمان و انتشار پایین جامعه کردستان شنیده میشود. امروز هر کارگری که از ایران، ترکیه، سوریه، بنگلادش، فلپین و هر نقطه دیگری از جهان به کردستان عراق رفته باشد و چهار روز زیر حاکمیت بورژواهای کرد و دو حزب طالبانی و بارزانی کار کرده باشد، اوج گندیدگی این سیستم و ضد کارگر بودن آن، استثمار بدوی در بی رحمانه ترین شکل آن، نهایت بردگی مطلق خود را زیر حاکمیت آنها

چشیده است. امروز کارگران کرد زبان سوریه ای و آوارگانی که از سر ناچاری در این بهشت برین ناسیونالیستهای کرد مدتی زندگی کرده اند و آنها را که "شانسی" آوردند و کاری پیدا کردند و چند صباحی یک سوم حقوق ناچیزی کارگر کرد زبان کردستان عراق را به جرم "خارجی" بودن و با گوشت و استخوان لمس کرده اند که اینها در قساوت علیه طبقه کارگر، دست هر دولت جنایتکاری را از پشت بسته و

اینها هنوز و علیرغم نارضایتی وسیع و نفرت زیادی که علیه آنها در جامعه موج میزند، سرکارمانده اند. اعتراضات هر روز مردم زحمتکش کردستان عراق از جانب این جماعت، هر بار و هر روز به بهانه ای و با ترفندهایی عقب رانده شده است. آنها پول و امکانات یک جامعه را در اختیار دارند و نان شب مردم محروم را به گروگان گرفته اند. تاریخ بیش از دو دهه حاکمیت آنها و

شور زرافه، آزادی

وامنیت مردم

ایران را بدست

کسیرید!

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

حکمت‌ت را بخوانید،

توزیع و پخش کنید!

شرایطت

حزب حکمت‌ت (خارجی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسئول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسئول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

در حاشیه "افاضات" و لایب‌اشتباه‌شان در این بوده که عوامل لازم "بازار آزاد" را فراموش کرده و بی‌توجه به آن بوده‌اند، و به همین دلیل، جامعه دچار چنین وضعیت اقتصادی و معیشتی و خیمی شده است!

در واقع، این همه آسمان ریسمان بافی‌ها، آمار و ارقام‌ها، برای لاپوشانی کردن "تزه‌ها" و اهداف اصلی و بنیادی‌تر "نظریه لاریجانی از "سوسیالیسم" و نیرویی که چاره‌ای جز پرداز "امروز مجلس یا آنچه "عدالت" می‌نامد، اعتراض ندارد و حاضر به اسلامی است. لاریجانی در حقیقت انتظارات و "صبر و انتظار" برای بهبود کاملاً آگاه است که دولت در کشوری مانند ایران، با توجه با جایگاه آن در سرمایه و بازار جهانی، نقشی محوری دارد. در کشوری نظیر ایران، نمی‌شود الگوی بازار آزاد کشورهای متروپل را متعهد و ملزوم به اجرا کپی کرد و به اجرا در آورد، و نقش دولت و سرمایه‌های عظیمی که تنها در اختیار دولت است را، نادیده گرفت. چنین بدبختی‌ای اگر برای "تنورسین‌های" آکادمیک و تاز بدوران رسیده در ایران قابل چشم‌پوشی است، ولی مسلمانا، برای لاریجانی و دیگر سران حکومتی در ایران، کاملاً مفروض است. کشف "آزادی" و "فرد

۱۷ ژوئیه ۲۰۱۷

برخلاف تفاسیر بی‌ارزش میدیایی، که از "چرخش خجولانه" لاریجانی بسوی بازار آزاد، دم می‌زنند، نه فقط لاریجانی، بلکه کل کارگر و مردم معترض دستگاه حاکم بورژوازی در ایران متدهاست که این جهتگیری سیاسی و اقتصادی متحد را دارند. دولت اقتصادی ۸ درصدی و جمهوری اسلامی، با وجود تمام جناح بندی‌ها و کشمکهای لایه‌های مختلف بورژوازی ایران، مدتها کشیدن در مقابل اعتراضات است در عقب زدن قوانین "دست و پاگیر"، از بین بردن هرگونه مانع جلب سرمایه جهانی، نقشه حمله به

زنده باد انقلاب کارگری!